

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۷/۲۰

موضوع: جریان «احمد الحسن»؛ خطرناکتر از منافقین و داعش!

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

امشب ادامه مباحث مهدویت را آغاز می‌کنیم با سخنرانی حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

تقدیم به پیشگاه مقدس و با عظمت حضرت بقیه الله الأعظم (أرواحنا لتراب مقدمه الفداء) صلوات دیگری عنایت فرماید.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوئیم و خدا را شاکریم که پس از گذشتن تعطیلات تابستانی بازهم توفیق پیدا کردیم در این محفل نورانی و در جمع شما عزیزان و بزرگواران و فضلا و اساتید حضور پیدا کنیم.

ما آخرین جلسه‌ای که قبل از تعطیلی تابستان در جمع شما بزرگواران داشتیم، بحث حدیث «خلفائی اثنا عشر» بود. نبی گرامی اسلام فرمود: جانشینان و خلفا و اوصیای من دوازده نفر هستند، نه کمتر و نه بیشتر.

حدیث «خلفای اثناعشر» از احادیثی است که می‌شود ادعا کرد به صورت تواتر در کتب اهل سنت و کتب شیعه و به صورت مفصل وارد شده است.

بسیاری از اندیشمندان اهل سنت همانند «ابن جوزی»، «بدرالدین عینی»، «عسقلانی» و دیگران در تفسیر و تحلیل این حدیث دچار مشکل و حیرت شده‌اند و به در و دیوار زده‌اند و آسمان و ریسمان را به هم بافتند تا راه توجیهی برای این حدیث پیدا کنند. علمای اهل سنت عاقبت اعتراف کردند که ما معنای این حدیث را نفهمیدیم.

این حدیث از قوی‌ترین ادله شیعه بر حقانیت خویش است، چرا که امامت و خلافت امیرالمؤمنین را تثبیت می‌کند. تمام اهل سنت گفتند که یکی از خلفای اثناعشر علی بن ابی طالب است. در حقیقت اجماع فریقین است که علی بن ابی طالب (سلام الله علیه) جزو خلفای اثناعشر است.

و همچنین شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که حضرت مهدی (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) جزو خلفای اثناعشر است.

آنچه مورد اختلاف است این است که آیا ابوبکر، عمر و عثمان و دیگر خلفا هم جزو خلفای اثناعشر هستند یا نه؟ در اینجا اهل سنت بر این عقیده‌اند و شیعه با آن مخالف است.

نسبت به ائمه اطهار شیعه معتقد است که امام حسن مجتبی تا امام حسن عسکری جزو خلفای اثناعشر هستند و برای خود هم دلیل دارند، هم از منابع شیعه و هم از منابع اهل سنت. طرفداران این نظریه هم اجماع شیعه و هم طرفدارانی از علمای اهل سنت دارد.

نکته دیگر اینکه نام این دوازده امام هم، در منابع شیعه به صورت متواتر مطرح شده است. بنده که متواتر را عرض می‌کنم قطعاً متواتر است. حال بعضی از اعظام می‌فرمایند: "ما تواتر نداریم"، ما صددرصد به این عزیزان احترام می‌گذاریم و دستشان را می‌بوسیم، اما عرضه می‌داریم: این فرمایش شما که عدد ائمه اطهار در دوازده نفر تواتر نیست صددرصد باطل است.

ما چهار دسته روایت داریم و برای هر دسته شش الی هفت سند معتبر داریم. پیغمبر اکرم فرمود: خلفای من دوازده نفر هستند؛ همانند خلفای گذشتگان. رسول گرامی اسلام می‌فرماید: همانطور که در رابطه با حضرت موسی وارد شده است که عدد اوصیای آن بزرگوار دوازده نفر بودند، نقبا دوازده نفر بودند، خلفای من هم دوازده نفر هستند.

حدود دوازده روایت داریم که غالباً صحیح است و بعضی از آنها صحیحه اعلائی است. امیرالمؤمنین و دیگر ائمه اطهار از قول رسول اکرم فرمودند: خلفای من دوازده نفر هستند؛ نه نفر از آنها از صلب امام حسین است.

حال اینکه در روایات آمده است از صلب امام حسین است، رمز و رموزی دارد. شاید در گذشته این نوع روایات مفهومی نداشت، اما بعد از اینکه وهابیت آمدند و «ابن تیمیه» ظهور پیدا کرد و اعلام کرد که مهدی از فرزند امام حسن مجتبی است، نه فرزند امام حسین؛ تازه روشن شد که ائمه اطهار (علیهم السلام) هزار و سیصد سال قبل فکر وهابیت قرن هشتم و نهم را کرده‌اند. یک دسته روایات داریم مبنی بر اینکه خلفای من دوازده نفر هستند، اولین آنها حضرت علی و آخرین آنها حضرت مهدی (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) است.

یک دسته روایات داریم که نام ائمه اطهار از حضرت امیرالمؤمنین تا به امام حسن مجتبی، امام حسین، امام سجاد تا حضرت ولی عصر به شخصه و اسم و صفاته بیان شده است. این اسامی هم در منابع اهل سنت و هم در منابع شیعه بیان شده است.

در منابع شیعه طبق آنچه ما بررسی کردیم شاید بیش از بیست روایت نام ائمه اطهار تک تک باسهم و شخصهم و صفاتهم آمده است.

لذا این حدیث «خلفائی اثنا عشر» از احادیثی است که ما نباید از آن غفلت کرده باشیم. هم در برابر اهل سنت، هم در برابر وهابیت، هم نسبت به کسانی که خود را امامی می‌دانستند، اما از قطار ائمه اثنا عشر پایین آمدند و پیاده شدند.

«زیدیه» در امام سجاد متوقف شدند، «واقفیه» در امام کاظم متوقف شدند، «ناووسیه» در حضرت امیرالمؤمنین از قطار امامت اثنا عشر پایین آمدند. همچنین بعضی افراد، افراد دیگری را در قطار اثنا عشر اضافه کردند. «فَتْحِیه»

شخصی به نام «عبدالله بن أفتح» را هم اضافه بر دوازده امام در قطار «خلفائی اثنا عشر» اضافه کردند و ائمه اطهار را سیزده نفر نامیدند.

نکته دیگری که من دوست دارم عزیزان ما روی آن خوب توجه کنند، این است که ائمه اطهار (علیهم السلام) از جمله امیرالمؤمنین در رابطه با موضوع مهدویت اهمیتی داشتند که در هیچ یک از موضوعات اعتقادی چنین اهمیتی نبوده است.

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی در کتاب «منتخب الأثر» نزدیک به چهار هزار روایت در حول مهدویت از منابع شیعه و منابع اهل سنت آوردند. این کتاب شاید یکی از بهترین و باارزشترین کتابهایی است که در این دو سه دهه اخیر نوشته شده است.

همچنین «موسوعة الإمام المهدي» توسط آیت الله کورانی و موسوعه‌های دیگری در این زمینه نوشته شده است که قابل توجه است.

یکی از مشکلات ما در طول تاریخ که این همه انحرافات ایجاد شده است این است که یک عده معتقد به مهدویت حضرت امیرالمؤمنین یا «محمد بن حنفیه» شدند، عده‌ای معتقد به مهدویت امام کاظم شدند، عده‌ای معتقد به مهدویت امام حسن عسکری شدند. همچنین بعد از غیبت صغری افراد دیگری ادعای مهدویت کردند.

در صد سال اخیر ما، نزدیک به بیست نفر ادعای مهدویت یا بابیت کردند. یکی از این افراد «احمد اسماعیل بصری» است که معتقد هست من فرزند حضرت مهدی (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) هستم، پدرم مرا فرستاده تا زمینه را برای ظهور پدرم حضرت مهدی فراهم کنم.

او ادعا می‌کند بزرگ‌ترین مانع فرج پدرم حضرت مهدی، حوزه‌های علمیه، مراجع و روحانیت هستند. فایل صحبت‌های امام جمعه این افراد در جعفریه قم موجود است. او به اتباع «احمد اسماعیل» می‌گوید: "بروید اموال و فرش و کتاب‌های خود را بفروشید، اسلحه تهیه کنید و منتظر دستور «احمد الحسن» باشید. اگر ایشان دستور بدهد ما علمای

نجف، قم و دیگر مراکز علمی را پانصد تن پانصد تن قتل عام می‌کنیم تا زمینه را برای آمدن حضرت مهدی فراهم کنیم!"

بنده بارها گفتم خطر این افراد از خطر منافقین و خطر داعش بیشتر است، زیرا هجمه این افراد هجمه درون مذهبی است. این افراد از مقدسات درون مذهبی برای فریب مردم استفاده می‌کنند.

این افراد از احساسات پاک مردم برای به انحراف کشاندن قضیه مهدویت استفاده می‌کنند و به بعضی از روایات ضعیف، مجعول، و موضوع اشاره می‌کنند یا بعضی از روایات را تقطیع می‌کنند.

این افراد اول روایت را می‌آورند و آخر آن را حذف می‌کنند، آخر روایت را می‌آورند و صدر آن را حذف می‌کنند، وسط روایت را می‌آورند و صدر و ذیل آن را حذف می‌کنند برای التباس و مشتبه ساختن مردم.

متأسفانه و متأسفانه دو مشکل اساسی وجود دارد که اجازه بدهید ما آن را با شهادت عرض کنیم. اشکال اصلی مربوط به حوزه‌های علمیه و ما روحانیت است، زیرا نتوانستیم فرهنگ مهدویت را برای مردم تبیین کنیم.

تمام این خطرات و تمام این کج راه‌ها و تمام این کج اندیشی‌هایی که در طول این چهارده قرن درباره مهدویت پیدا شده است، ائمه اطهار با تمام خصوصیات بیان کرده‌اند.

کسانی که مدعی مهدویت هستند، کسانی که مدعی تشیع هستند، کسانی که مدعی بابیت هستند، همگی در روایات ائمه اطهار بیان شده است. بی پرده بگویم که ما نه این روایات را مطالعه کردیم و نه برای مردم بیان کردیم.

آنچه برای مردم بیان شد این است که حضرت مهدی خواهد آمد و برای اینکه جهان را پر از عدل و داد کند به قدری از مردم را می‌کشد تا خون به زین اسب او برسد!!

ما که پنجاه و اندی سال است در حوزه علمیه هستیم و تلاش کردیم عمدتاً با این روایات انس بگیریم، تا الان نتوانستیم در قوطی هیچ عطاری غیر از عطاری‌هایی که دارند بعضاً این مطالب را نقل می‌کنند چنین روایتی را پیدا کنیم.

اگر مردم کره زمین میلیارد میلیارد برابر فعلی هم باشند و کشته شوند، در کره زمین به اندازه دو سانت خون جاری نمی‌شود؛ چه برسد به اینکه خون به قدری بالا بیاید که به زین اسب حضرت ولی عصر برسد.

وهابیت همین‌ها را از مداحان ما و از بعضی منبری‌های ما کلیپ درست می‌کنند، در شبکه‌های خود پخش می‌کنند و ادعا می‌کنند که بدانید زمانی که مهدی شیعه بیاید همه را خواهد کشت و یکی از آن کشته‌ها شما هستید.

بنده نمی‌دانم که اینجا عرض کردم یا نه، که در نیمه شعبان دو سال پیش قبل از خطبه‌های نماز جمعه قم عرض کردم: رفقا بی‌پرده بگوییم ما در شهر قم با هفتاد، هشتاد هزار طلبه در معرفی فرهنگ مهدویت موفق نبودیم.

«مجله حضور» به شماره ۶۲ یا ۶۳ نظرخواهی کرده است از محلات مختلف قم اعم از چهارمردان و نیروگاه و آذر و از مردم سؤال کرده است: شما برای فرج امام زمان دعا می‌کنید یا خیر؟ نزدیک به هفتاد و چهار درصد گفتند: "دعا نمی‌کنیم، زیرا شنیدیم زمانی که حضرت مهدی بیاید همه را گردن می‌زند. ما می‌ترسیم دعا کنیم حضرت بیاید و گردن ما را هم بزند!!" عزیزان باید مقداری تکان بخوریم.

ما که افتخار حضور در پادگان آموزشی حضرت بقية الله الأعظم (ارواحنا فداه) را داریم و یونيفرم نظامی حضرت ولی عصر را در تن داریم، بیاییم برای رضای خداوند عالم قسم بخوریم و نذر کنیم و عهد کنیم هر روز یک ساعت از وقت خود را به مطالعه در حوزه مهدویت پردازیم.

من نمی‌خواهم دایرة المعارف‌ها و مقالات را ببینید. ما سه کتاب اساسی و ریشه‌ای در مهدویت داریم که هر سه متعلق به قرن سوم و چهارم هجری است. کتاب «کمال الدین» اثر «شیخ صدوق»، کتاب «الغیبة» اثر «شیخ طوسی» و کتاب «الغیبة» اثر «نعمانی».

هرآنچه در رابطه با مهدویت گفتنی است اعم از سلبیات و ایجابیات، اعم از مسائل رهنمودی و چه مسائلی که مربوط به کوته فکران و کج اندیشان هست و انحرافات که در جامعه پیدا می‌شود در لابلای روایات آمده است.

فلان آقا با سلیقه خود مقاله‌ای نوشته است که شاید سلیقه او مورد پسند بنده نباشد. من باید بروم و از سرچشمه زلال این مطالب مهدویت را ببینم.

در کتاب «کمال الدین» اثر «شیخ صدوق» مطالبی نوشته شده که آنچه می‌گوید بنا به امر حضرت ولی عصر نوشته شده است و تلاش شده است که در راستای همان عصر «شیخ صدوق» متوفای ۳۸۱ هجری نوشته شود.

ایشان تلاش کرده است که شبهاتی که در آن عصر بوده است، انحرافات و کج فکری‌هایی که بوده است را تماماً با لسان روایات اهل بیت پاسخ بدهد، نه با بعضی از بافته‌های فکری.

لذا قضیه «احمد الحسن» یا «احمد بصری» نه «اول قارورة کسرت فی الإسلام» است و نه آخرین آن است و چه بسا در آینده «احمد بصری» و احمد اسماعیل‌های دیگری هم پیدا شود و افرادی هم که در این زمینه ناآگاه هستند را جذب کنند.

دوستان! امروزه فضای مجازی در ضمن اینکه تهدید است، فرصت بسیار مبارکی است. ما می‌توانیم در منزل خود بنشینیم و با مردم سراسر جهان حرف بزنیم.

ما می‌توانیم مطالب خود را در فضای مجازی بگذاریم تا افرادی که در کانادا و آمریکا و روسیه و هند و چین هستند مطالب ما را ببینند.

من این مژده را خدمت عزیزان بدهم که ما در سطح کشور و در استان‌های مختلف و شهرهای متعدد، طلبه‌ها، دانشجویان، دبیران، و اساتیدی داریم که در حوزه مهدویت و پاسخ به شبهات و تناقضات و کفریات «احمد بصری» کار و تحقیق می‌کنند.

بنده با تمام وجود عبارت "کفریات" را عرض می‌کنم. کفریاتی که در کلمات «احمد بصری» است، در کلمات «محمد بن عبدالوهاب» و «ابن تیمیه» نیست. ما بارها اعلام کردیم که برای بحث و مناظره بیایید، اما آن‌ها مخفی شدند.

براساس ظاهر قضیه و نود و نه و نود و نه صدم درصد که «احمد اسماعیل» در قضیه نجف اشرف به قصد کشتن آیت الله العظمی سیستانی و حوزه علمیه، به درک واصل شده است و خبری از او نیست. از او نه تصویری است و نه صدایی است. تنها طرفداران او به خاطر پول‌هایی که از آمریکا و اسرائیل و عربستان سعودی می‌گیرند یا به خاطر بعضی از ریاست طلبی‌ها یا سحر و جادو، بدون هیچ گونه حرف قانع کننده‌ای مطالبی را در تبلیغ افکار او می‌گویند. این افراد در برابر سخنان معصومین نه تنها قانع نمی‌شوند، بلکه عناد و لجاجت خودشان را هر درجه بالا می‌برند.

ما در این هفته همایشی را در دو روز تشکیل دادیم با مسئولیت بنده در «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» و عزیزانمان را از سطح کشور دعوت کردیم تا به قم بیایند. ما دو روز میزبان بودیم و دردهای دلشان را گوش کردیم، پیشنهادات و کارهایی که انجام دادند را دیدیم.

به حق این همایش برای بنده یکی از لذت‌بخش‌ترین همایش‌های عمر حوزوی‌ام بود. دیروز حضرت آیت الله اعرافی تشریف آوردند و نزدیک به یک ساعت برای این عزیزانمان صحبت کردند و قرار شد فعالیت‌های این عزیزان سازماندهی شود.

ان شاء الله بنده در جلسات بعدی نتیجه این سازماندهی‌ها را اعلام می‌کنم، سایت‌هایی که این عزیزان دارند به صورت وحدت رویه فعالیت می‌کنند و کانال‌ها و گروه‌هایی که آن‌ها دارند برای شما بزرگواران هم معرفی می‌کنیم.

دوستانی که می‌خواهند در این زمینه اطلاعات بیشتری داشته باشند وارد این گروه‌ها شوند، تا جدیدترین حرف‌هایی که آن‌ها می‌زنند و جدیدترین شبهاتی که مطرح می‌کنند پاسخ داده شود.

کار خوبی که باز هم خداوند به انجام آن توفیق داد و خدا را به واسطه آن شاکر هستیم این است که اساتید، اندیشمندان و بزرگوارانی که حدود چهارده سال است در حوزه پاسخگویی به شبهات «احمد الحسن» تلاش می‌کنند را دور هم جمع کردیم.

ما هفته‌ای یک ساعت تا دو ساعت با این عزیزان جلساتی داریم و درد دل این بزرگواران را می‌شنویم و پیشنهاداتشان را هم گوش می‌کنیم و در حد توان خود در خدمت این اساتید بزرگوار که ده الی دوازده نفر هستند، هستیم.

در سطح کشور هرجایی کلاس است این بزرگواران می‌روند و همچنین زمانی که در قم همایش است این عزیزانمان حضور پیدا می‌کنند.

بنده همین امروز قبل از نماز جمعه گزارش تقریباً مختصری خدمت آیت الله اعرافی دادم. ایشان خیلی اظهار خوشحالی کردند و دعا کردند.

ان شاء الله عزیزان ما هم دعا کنند که ما بتوانیم در این زمینه قدم‌های مثبتی برداریم تا فردای قیامت نزد حضرت صدیقه طاهره ببریم و عرضه بداریم: یا فاطمة الزهراء! ما هم در برابر این پنجاه سال که در کنار سفره حضرت ولی عصر خوردیم بی‌عرضه نبودیم و به اندازه سر سوزنی هم کاری در رابطه با دفاع از حریم ولایت و دفاع از حریم مهدویت انجام دادیم.

نکته دیگری که وجود دارد و مشکل اساسی است، این است که بعضی از طلاب ما یا بعضاً بعضی از فضلاء ما هم از سر عدم آگاهی به حوزه مهدویت و فرهنگ مهدویت و تذکرات و گوشزدهای ائمه اطهار در طول تاریخ، جذب این افراد شدند.

من بر این عقیده هستم که با توجه به بررسی‌هایی که داشتیم بعضی از این افراد به دنبال ریاست هستند و به دنبال این هستند که مشهور شوند. آن‌ها فکر می‌کنند که اگر در برابر حوزه، در برابر مراجع و در برابر علما حرفی بزنند مشهور می‌شوند و شهرت پیدا می‌کنند!

برادر «حاتم طائی» دید که برادرش در همه جا ضرب المثل است و هر جایی می‌روند اسم «حاتم طائی» است. او با خود اندیشید که چکار کند تا او هم مثل برادرش مشهور شود.

او یک سال در ایام حج کثافت و نجاسات را آورد و در آب زمزم ریخت. هرکسی آمد دید که بوی گند بلند شده است و دید برادر «حاتم طائی» این کار را انجام داده است. با این وضع برادر او هم شهرت پیدا کرد.

این افراد هم می‌خواهند شهرتی پیدا کنند و بهترین راه شهرت هم رفتن به سراغ شلمغانی‌های عصر ما و «احمد بصری‌ها» است که در بعضی از شبکه‌ها و بعضی از سایت‌ها حرف‌هایی مطرح می‌کنند. همانطور که قرآن کریم نسبت به کفار می‌فرماید:

(وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَابٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ)

و اگر نامه‌ای بر روی صفحه‌ای بر آن‌ها نازل کنیم و (علاوه بر دیدن) آن را با دستهای خود لمس کنند باز کافران می‌گویند این چیزی جز یک سحر آشکار نیست!

این افراد ایمان نمی‌آورند. تعدادی از افراد این چنین هستند و ما صددرصد از این افراد قطع امید کردیم. افرادی امثال «فتحیه»، «جوکار» دیگر ایمان نخواهند آورد. یکی از این افراد در فضای مجازی گفته است: "ما معتقدیم که «احمد الحسن» بر حق است. اگر حضرت مهدی هم بیاید و به ما بفرماید که او ناحق است، ما حرف ایشان را قبول نمی‌کنیم." لیدر وهابیت می‌گوید: «ابن تیمیه» گفته است که توسل شرک است. اگر پیغمبر هم از قبر زنده شود و بفرماید که توسل شرک نیست ما حرف پیغمبر اکرم را قبول نمی‌کنیم.

یک دسته از این افراد این چنین هستند، اما یک دسته ناآگاه و جاهل هستند. در همین یک ماه و نیم گذشته برخی از دوستان ما، با این افراد صحبت کردند و آن‌ها در یک جلسه از راه خود برگشتند یا در یک جلسه سی، چهل تن از این افراد از اعتقاد خود برگشتند و به «احمد الحسن» بد و بیراه گفتند. این افراد به آنهایی که مبلغ تفکرات احمد الحسن بودند توهین کردند و فحش دادند که شما بودید که ما را گمراه کردید.

بعضی از دوستان ما به خراسان قسمت تربت حیدریه و تربت جام رفته بودند و با بسیاری از افراد از جمله خانم‌ها و آقایان بحث کرده بودند و حقایق، تناقضات و کفریات «احمد بصری» را گفته بودند و آن‌ها فی المجلس اظهار ندامت کرده بودند.

مشخص است که این افراد با مقدسات پاک شیعیان و روحیه پاک آنان بازی می‌کنند و آن‌ها را فریب می‌دهند. بعضی از دوستانی که ما در خدمتشان بودیم سال گذشته در راهپیمایی اربعین موکب‌های متعددی داشتند و افرادی که به موکب‌های طرفداران «احمد الحسن» می‌رفتند را مدنظر داشتند. دوستان ما با این افراد صحبت می‌کردند و تلفن آن‌ها را می‌گرفتند.

طبق آماری که دوستان ما دادند طرفداران «احمد الحسن» سی هزار بچه شیعه ایرانی را در راهپیمایی فریب داده بودند که دوستان ما با فرستادن کلیپ‌ها و مطالب در کفریات «احمد بصری» آن‌ها را بیدار و متوجه کردند. لذا طبق فرمایش رسول اکرم که می‌فرمایند:

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص ۵۴، ح

ان شاء الله دوستان عزیزمان این روایت را محور کارهای خود داشته باشند. بنده قصد دارم که صحبت‌های من در این باره بیشتر ادامه پیدا نکند تا اگر دوستان سؤالی داشته باشند در خدمت عزیزان باشم.

ان شاء الله ما بحث «خلفائی اثنا عشر» را در جلسه بعد بیان می‌کنیم. ما روایاتی از منابع اهل سنت را در آخرین جلسه سال تحصیلی خود آوردیم.

در منابع شیعه هم ائمه اطهار (علیهم السلام) در رابطه با «خلفائی اثنا عشر» نکاتی آورده‌اند که پیغمبر اکرم فرمود: خلیفه من دوازده نفر هستند، نه یک نفر کمتر و نه یک نفر بیشتر. هرکسی بخواهد چیزی بر این‌ها اضافه کند منکر ضروریات دین است.

طبق استفتائی که از مراجع کرده‌اند، بعضی از مراجع همانند آیت الله العظمی مکارم شیرازی رسماً فتوا داده‌اند که امثال «احمد الحسن» با اعتقاداتی که دارد از دایره اسلام خارج است، نه اینکه فقط از دایره تشیع خارج است.

ان شاء الله من در یک جلسه ادعاهای فاسد و کفریات او را از کتاب‌های خود او لیستی تهیه می‌کنم و به شما نشان می‌دهم تا ثابت شود که بعضی از مراجع ما با دقت فتوا صادر می‌کنند.

چنین نیست که با گزارش کوچکی فتوا صادر کنند و آن‌ها را از دایره اسلام بیرون کنند. کسی که نسبت به امام حسین نستجیر بالله نسبت شرک می‌دهد مسلمان نیست.

اتفاقاً در جلسه‌ای که دوستان ما در تهران داشتند، می‌گفتند: بعضی از طرفداران «احمد الحسن» اهل هیئت و سینه زنی و دیگر مراسمات مذهبی بودند. می‌گفت من هرچه دلیل آوردم ایشان زیر بار نرفت، به همین خاطر کتاب ایشان را باز کردم و گفتم: مشاهده کنید که ایشان می‌گویند امام حسین دچار شرک بوده است. زمانی که این حرف را گفتم رنگ او

تغییر پیدا کرد، صورتش زرد شد و شروع به سب و لعن «احمد الحسن» کرد و گفت: این حرف او را برای من قابل قبول نیست.

روزی نزدیک غروب حضرت آیت الله سبحانی زنگ زدند و گفتند: یکی از کسانی که برای وهابیت چندین سال تبلیغ می‌کرد، برگشته است. اگر فرصت داشته باشید پیش شما بیاید تا کمی با او صحبت کنید. من قبول کردم.

جوانی سی و پنج ساله آمد. او گفت: من در دانشگاه مدینه درس خواندم، من در دانشگاه «محمد بن سعود» درس خواندم، در ترکیه دوره دیدم و الآن پانزده سال است که مبلغ وهابیت هستم و بسیاری از جوانان سنی را سلفی کردم و شیعه‌ها را وهابی کردم.

ایشان که اهل اردبیل بود و با زبان آذری شیرین هم حرف می‌زد، نقل کرد که من در تهران جلسه‌ای با اساتید وهابی داشتیم و آن‌ها به من گفتند: شعارهای «یا ابالفضل» و «یا قمر بنی هاشم» از شرکیات است و شما باید در اردبیل به مردم بگویید از آن‌ها دست بردارند.

می‌گفت: من عصبانی شدم و گفتم: به من گفتید «یا رسول الله»، «یا علی» و «یا حسین» شرک است قبول کردم، اما زیر بار این حرف که «یا ابالفضل» شرک است نمی‌روم. همانجا از این افراد خداحافظی نکرده از جلسه بیرون آمدم.

مشاهده کنید عرق مذهبی و قداست ائمه اطهار (علیهم السلام) در رگ و خون شیعیان جاری است، حال باید پیدا کنیم که این طرف به چه مقدساتی حساس است.

همین عزیزمان فایل صوتی حرف‌های خود را آورده بود. ایشان می‌گفت: وقتی به مرید احمد الحسن گفتم «احمد الحسن» به پیغمبر اکرم توهین کرده است زیر بار نرفت، وقتی گفتم به امیرالمؤمنین توهین کرده حرف او را توجیه کرد، زمانی که گفتم به حضرت یونس توهین کرده زیر بار نرفت، اما وقتی گفتم به امام حسین توهین کرده، به غیرتش برخورد. لذا به «احمد الحسن» سب و لعن کرد و قول داد که من دیگر سراغ این افراد نخواهم رفت.

دوستان عزیز ما باید ببینیم طرف مقابل ما که جذب این افراد شده به کدام یک از مقدسات حساسیت دارد. یک سری از بحث‌ها، بحث‌های روانشناختی است. بحث‌های علمی نیست که ما بگوییم با این افراد بحث علمی کنیم و آیات و روایات بیاوریم.

طبق تجربه‌ای که بنده در رابطه با وهابیت دارم، نود درصد از موفقیت را در جواب‌های نقضی دیدم. زمانی که جواب نقضی را مطرح می‌کنید، اصلاً تار و پود فکری طرف به هم می‌ریزد و زیربنای اعتقادی طرف مقابل متزلزل می‌شود.

این افراد خود را حق مطلق تصور می‌کنند، اما زمانی که چندین اشکال و نقض برای او مطرح می‌کنید او راهی برای توجیه ندارد. بحث‌های علمی توجیه بردار است، اما بحث‌های نقضی دیگر توجیه بردار نیست.

در حال حاضر یکی از کارهایی که ما در «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» با همکاری دوستان انجام می‌دهیم که ان‌شاءالله بتوانیم قبل از عید آن‌ها را به چاپ برسانیم، این است که تمام تناقضات طرفداران «احمد الحسن» را از کتب خودشان بیرون بکشیم.

ما تناقضات خودشان را بیرون آوردیم که این افراد در اینجا چنین می‌گویند، اما در جای دیگر چیز دیگری می‌گویند. بنده مباحث خود را پایان می‌دهم. اگر سؤالی هست در خدمت عزیزان هستم و اگر سؤالی نیست دعا کنیم.

پرسش:

آیا حدیث «خلفائی اثناعشر» در کتب اهل سنت وارد شده است؟

پاسخ:

در کتاب «صحیح مسلم» چاپ عربستان سعودی مطلبی در مورد خلفای اثناعشر بیان شده است.

«عن جَابِرِ بْنِ سَمْرَةَ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ لَا يَزَالُ هَذَا الْأَمْرُ عَزِيْرًا إِلَىٰ اثْنِي عَشَرَ خَلِيْفَةً»

و:

«لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيْرًا مَنِيْعًا إِلَىٰ اثْنِي عَشَرَ خَلِيْفَةً»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسابوری، دار النشر: دار إحياء التراث

العربی - بیروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۵۳، ح ۱۸۲۱

و:

«لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ أَوْ يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلَّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسابوری، دار النشر: دار إحياء التراث

العربی - بیروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۵۳، ح ۱۸۲۲

این‌ها روایاتی است که در کتاب «صحیح مسلم» بیان شده است. در صفحه قبل وارد شده است:

«إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمُضِيَ فِيهِمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»

و:

«لَا يَزَالُ أَمْرُ النَّاسِ مَا ضِيَا مَا وَلِيَهُمْ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسابوری، دار النشر: دار إحياء التراث

العربی - بیروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۵۲، ح ۱۸۲۱

این‌ها نمونه‌هایی از حدیث «خلفائی اثناعشر» است. همچنین در کتاب «تفسیر ابن کثیر» شخصی سلفی دمشق

شاگرد «ابن تیمیه» وارد شده است که می‌گوید از «عبدالله بن مسعود» سؤال کردیم: آیا از پیغمبر اکرم پرسیدید خلفا

چند نفرند؟ او گفت:

«ما سألتني عنها أحد منذ قدمت العراق قبلك»

از زمانی که وارد عراق شدم کسی چنین سؤالی نپرسیده است.

«ثم قال نعم ولقد سألتنا رسول الله فقال إنا عشر كعدة نقباء بني إسرائيل»

او سپس گفت: بله من این سؤال را از پیغمبر اکرم پرسیدم و حضرت فرمود: جانشینان من دوازده خلیفه به تعداد نقبای بنی اسرائیل هستند.

او بعد می‌گوید: این حدیث بشارتی است به وجود دوازده خلیفه صالح که اقامه حق می‌کنند و در میان مردم عدالت را برقرار می‌کنند.

«والظاهر أن منهم المهدي المبشر به في الأحاديث الواردة بذكره»

تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی أبو الفداء، دار النشر: دار الفکر - بیروت - ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۳۳، باب المائدة: (۱۲ - ۱۴) ولقد أخذ الله... ..

اهل سنت از این قبیل روایات زیاد دارند. همچنین در روایت دیگری وارد شده است:

«وَلَا يَضُرُّهُ مِنْ خَالَفَهُ أَوْ فَارَقَهُ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج ۵، ص ۹۹، ح ۲۰۹۷۵

این روایات نمونه‌هایی است که آقایان آوردند. البته بحث‌های دیگری وجود دارد از جمله اینکه وقتی پیغمبر اکرم در حجة الوداع فرمود خلفای من دوازده نفر هستند، صحابه‌ای که در آنجا بودند و طبق نقل بعضی از روایات از جمله خلیفه دوم سروصدا کردند. صحابه به این خاطر ایجاد سروصدا کردند تا صدای پیغمبر اکرم به گوش مردم نرسد. این‌ها بحثی است که بنده در جلسات آینده مطرح می‌کنم.

البته جلسه قبل هم خدمت آقایان عرض کردم «ابوبکر بن عربی» یکی از سلفیون شاخ‌دار و ناصبی‌های رذل تاریخ اسلام متوفای ۵۴۳ هجری در کتاب «شرح صحیح ترمذی» این قضیه را مطرح می‌کند. می‌گوید: ما این افراد را بعد از پیغمبر اکرم شمردیم.

او نام عمر، عثمان، علی، حسن، معاویه، یزید، معاویه بن یزید را می‌آورد و می‌گوید: ما هرکار کردیم این اسامی را دوازده عدد تکمیل کنیم نتوانستیم. خلفای بنی امیه بیست و پنج نفر بودند، خلفای بنی عباس سی و هفت نفر بودند و انتخابی هم نتوانستیم این دوازده نفر را درست کنیم. او سپس می‌گوید:

«و لم اعلم للحديث معنى»

ما اصلاً نفهمیدیم معنای حدیث چیست.

عارضه الأحوذی فی شرح الترمذی؛ ابوبکر بم العربی، ج ۹، ص ۶۷ - ۶۹

این یکی از معجزات شیعه است که خلفای اثناعشر، غیر از اعتقادات شیعه اثناعشری با هیچ یک از عقاید مذاهب اسلامی اعم از سنی و زیدی و اسماعیلی تطبیق نمی‌کند.

مشاهده کنید «ابن حجر عسقلانی» یکی از قهرمانان رجال و حدیث و فقه اهل سنت است. معروف است که اهل سنت کنار سفره چهار نفر نشستند که یکی از آنها «ابن حجر عسقلانی» است. ایشان در جلد سیزدهم از قول «ابن بطلال» می‌گوید: من هرکاری کردم برای این حدیث معنای درستی پیدا کنم یا یکی از علمای اهل سنت توجیه کرده باشد که این دوازده نفر چه کسانی هستند، نتوانستم به چنین فردی برسم. همچنین «ابن جوزی» می‌گوید:

«قد أطلت البحث عنه و طلبته مظانه و سألت عنه»

ما بحث طولانی در مورد خلفای اثناعشر کردم و هرکسی درباره این حدیث حرفی زده بود را مطالعه کردم و از هرکسی احتمال دادم می‌تواند مصداق حدیث را برایم روشن کند پرسیدم.

«فما رأيت أحدا، وقع على المقصود به»

بنده تاکنون نتوانستم کسی را پیدا کنم که معنا و مصداق حدیث را فهمیده باشد.

کشف المشکل من حدیث الصحیحین؛ ابن جوزی، تحقیق: الدكتور علی حسین البواب، چاپ: الأولى، سال

چاپ: ۱۴۱۸ - ۱۹۹۷ م، ناشر: دار الوطن للنشر - الرياض، ج ۱، ص ۴۱

همچنین «نووی» که از او به فقیه الأمة تعبیر می‌کنند، زمین و زمان را به هم می‌زند و در نهایت می‌گوید:

«والله أعلم بمراد نبیه»

خداوند به مراد پیغمبر اکرم عالم‌تر است.

صحیح مسلم بشرح النووی، اسم المؤلف: أبو زکریا یحیی بن شرف بن مری النووی، دار النشر: دار إحياء التراث

العربی - بیروت - ۱۳۹۲، الطبعة: الطبعة الثانية، ج ۱۲، ص ۲۰۳، ح ۸۱۸

نمی‌دانم چرا این مباحث در رسانه مطرح نمی‌شود. نه تنها مباحث ما، بلکه مباحث اساتید دیگر هم باید مطرح شود ولی نمی‌شود.

ما بارها گفتیم مادامی که قضیه‌ای امنیت ملی نشود، حساسیت نشان نمی‌دهیم. خدای نکرده این افراد باید روزی چندین تن از بزرگان، روحانیون، اساتید یا نستجیر بالله کوچک‌ترین ضربه‌ای به مراجع بزنند تا به امنیت ملی تبدیل شود. زمانی که قضیه‌ای امنیت ملی شود ملت حضور دارند و لازم نیست که این‌ها دست به کار شوند.

البته برنامه ما به صورت مستقیم از اینترنت پخش می‌شود. در حال حاضر بسیاری از افراد در خارج از کشور برنامه ما را می‌بینند. در حال حاضر اینترنت، بینندگان بیشتری نسبت به تلویزیون دارد، علاوه بر این در سایت‌های مختلفی هم مطرح می‌شود.

عنایت حق است که «احمد الحسنی‌ها» بحث‌های ما که یک هفته در میان بود را در پانزده روز جواب دادند.

جواب‌های این افراد از الطاف خفیه الهی است، زیرا به قدری جواب‌هایشان بی‌مزه، مسخره، بی‌دلیل و بی‌برهان است که بنده معتقدم جواب‌های این افراد برای بطلان خودشان از عرایض من بسیار قوی‌تر است.

بنده نمی‌خواهم اسامی این افراد را ببرم، اما اتفاقاً در آخرین جلسه‌ای که در اینجا داشتیم دیدیم نوشتند: نقد سخنان

آقای قزوینی جلسه اول. بعد از چهار روز نوشتند: نقد سخنان آقای قزوینی جلسه دوم. بعد از آن نوشتند: نقد سخنان

آقای قزوینی جلسه سوم و چهارم.

آن‌ها تا هشت جلسه تنها یک جلسه از مطالب ما را نقد کردند. مشخص است که الحمدلله صحبت‌های ما اثر گذاشته است. همین که این حرف‌های ما را در سایت‌ها و گروه‌های خودشان می‌گذارند و پیروانشان حرف ما را می‌شنوند از الطاف خفیه الهی است.

طرفداران آن‌ها جواب‌های آن‌ها را هم می‌شنوند. به عنوان مثال من یک دفعه گفته بودم: "حضرت آیت الله اعرافی به من فرمودند که اگر بشود یک جزوه صد صفحه‌ای در تناقضات «احمد الحسن» بنویسید ما برای طلاب در سطح کشور توزیع می‌کنیم."

یکی از آقایان در جواب گفته بود: "آیت الله قزوینی نماینده حوزه علمیه است." من که در یک جا هم نگفته بودم که من نماینده حوزه علمیه هستم و کسی در جایی نگفته است که قزوینی نماینده حوزه علمیه است. آن‌ها می‌گویند که مشاهده کنید آقای اعرافی به آقای قزوینی گفته است چیزی بنویسید. آقای اعرافی رئیس حوزه علمیه است، بنابراین آقای قزوینی هم نماینده رئیس حوزه علمیه است.

آقای اعرافی نماینده منتخب شورای عالی مدیریت است، بنابراین آقای قزوینی هم نماینده منتخب شورای عالی مدیریت است. اصلاً بالاتر اینکه شورای عالی مدیریت را مراجع انتخاب کردند. بنابراین آقای قزوینی که از طرف آقای اعرافی است و آقای اعرافی هم از طرف شورای عالی مدیریت است و شورای عالی مدیریت از طرف مراجع تقلید است، بنابراین آقای قزوینی نماینده تام‌التمام مرجعیت است.

این افراد می‌خواهند برای خودشان مقام بالایی درست کنند. به عنوان مثال زمانی که عرایض ما را نقد می‌کنند برای اینکه خودشان را بزرگ کنند تلاش می‌کنند طرف مقابل را بالا ببرند.

من در جواب گفتم: رئیس دفتر آقای اعرافی هم توسط آقای اعرافی انتخاب شده است. بنابراین رئیس دفتر ایشان نماینده ایشان است، رئیس دفتر ایشان نماینده شورای عالی مدیریت است، رئیس دفتر ایشان نماینده مرجعیت است. بالاتر از آن مرجعیت نماینده حضرت مهدی هست. بنابراین رئیس دفتر ایشان نماینده حضرت مهدی هستند. حضرت مهدی نماینده پیغمبر اکرم است و پیغمبر اکرم نماینده خداوند است.

این افراد حرف‌هایی می‌زنند که مرغ پخته می‌خندد!! این افراد تنها حدود دو ساعت روی این قضیه مانور دادند که ما با فلانی بحث می‌کنیم و جواب می‌دهیم، به دلیل اینکه فلانی نماینده مرجعیت حوزه علمیه است ما حرف‌های ایشان را نقد می‌کنیم.

عرض کردم که اگر خداوند عالم بخواهد به قومی عذاب نازل کند عقل آن‌ها را سلب می‌کند که مصداق اتم آن هم این افراد هستند. عرایض ما چهل و پنج دقیقه شد و ما بنا نداریم که عزیزان را زیاد خسته کنیم.

خدایا تو را به آبروی حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) سوگند می‌دهیم فرج فرزند امیرالمؤمنین حضرت حجة بن الحسن را نزدیک بگردان. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما. خدایا ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت بالأخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار. خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا حوائج حاجت مندان روا نما. خدایا به آبروی حضرت حجة بن الحسن حوائج جمع ما را برآورده نما. خدایا دعا‌های ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین بالأخص امام راحل صلواتی ختم بفرمایید.